

تهیه کننده : محمود کریمی

به یادبود هوشی مین که در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ تشکیل کشور مستقل ویتنام را
در هانوی اعلام کرد

۱۶ سال جنگ در ویتنام (۱): ویتنام چگونه جنگید؟



جنگ ویتنام (به انگلیسی: Vietnam War) نام مجموعه عملیات و درگیریهای نظامی است که بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی (معروف به «ویت کنگ») از یک سو، و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش (به ویژه امریکا)، از سوی دیگر رخ داد. هدف نیروهای ویتنام شمالی و ویت کنگها بیرون راندن امریکا و متحدانش از ویتنام و سرنگون کردن حکومت ویتنام جنوبی و ایجاد کشور واحد ویتنام بود. تمام این هدفها در پایان جنگ ویتنام تامین شد و کشوری که امروز جمهوری سوسیالیستی ویتنام نام دارد به وجود آمد. جنگ ویتنام بیش از هر جنگ دیگری در قرن گذشته طول کشید و تاریخ قرن بیستم را به سرزمین عجایب دوخت، آنجا که جز مرگ و آتش خبری نبوده. امریکاییان سالانه ۵۰۰ هزار تَن بمب به این سرزمین ریختند، جنگلها را با ناپالم سوزاندند و انسانها را زنده زنده بریان کردند، اما سرانجام پس از ۱۰ هزار روز با ۴۵ هزار کشته، ۳۰۰ هزار زخمی و صرف ۱۵۰ میلیارد دالر هزینه و یک سرافکننده گی تاریخی بر کشتیها نشستند و گریختند و اکنون پس از گذشت سالیان بسیاری از آن زخم خورده های امریکایی از خود سوال می کنند که چرا به این جهنم اعزام شده اند.

این جنگ بین سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۵ رخ داد؛ و در آن حدود ۳ میلیون ویتنامی جان خود را از دست دادند. امریکا هدف اصلی خود را از شروع این جنگ جلوگیری از اشاعه کمونیسم در منطقه جنوب شرق آسیا بیان نمود و رئیس جمهور وقت آن زمان «جانسون» افراد وابسته به ویتنام شمالی را متهم کرد که دو بار با قایقهای انفجاری به کشتیهای امریکایی حمله کرده اند و همین امر را بهانه ورود و حمله به ویتنام قرار داد.

بعدها نویسنده‌یی خطاب به ملت امریکا گفت: «آنچه ما در ویتنام از دست دادیم فضیلت بود.» شاید او گمان می‌کرد نظامیانی که در جنگ جهانی دوم برای رهایی از طاعون فاشیسم در هیئت ناجی اروپا ظاهر شدند خوی انسانی دارند و همواره چنین خواهند بود؛ اما جنگ کره و بعدها جنگ ویتنام ثابت کرد که آرزوهایی از این دست فقط در کتاب تاریخ کودکان تحقق خواهد یافت.

آنچه که مشخص است این جنگ نیز همچون دیگر جنگهای ایالات متحده از میلیتاریسم نظامی برای کسب اهداف سیاسی استفاده شده و هیچ منطق سیاسی و منسجمی در پشت آن وجود نداشت و به نتیجه نرسید.

ریشه جنگ

در جریان جنگ جهانی دوم هندوچین به تصرف نیروهای جاپان درآمد و دست نیروهای فرانسه که پیش از آن نیروی مستعمراتی آن منطقه بودند از کشورهای منطقه موقتاً کوتاه شد. با شکست جاپان در پایان جنگ نیروهای ملی و نیز کمونیستهای ویتنام استقلال ویتنام را خواستار شدند و در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ هوشی مین تشکیل کشور مستقل ویتنام را در هانوی اعلام کرد.

نیروهای فرانسه که از اسارت نیروهای جاپان درآمده بودند دوباره سعی در کسب سلطه خود در هندوچین و ویتنام کردند. این امر با مقاومت نیروهای ویتنامی (معروف به ویت مین) زیر فرماندهی هوشی مین روبرو شد و جنگهای معروف به جنگ اول ویتنام در گرفت.

در سال ۱۹۵۰ رئیس‌جمهور امریکا ترومن ۳۵ نفر از افراد گروه کمک و مشاوره نظامی را برای آموزش و مشاوره به کمک فرانسه فرستاد تا بتواند سلطه مستعمراتی خود را در ویتنام حفظ کند.

در ۱۹۵۴ نیروهای ویت مین شکست سختی در (دین بین فو) به نیروهای فرانسه وارد کردند.

جولای ۱۹۵۴ به هنگام نخست وزیری «مندس فرانس» (عضو حزب رادیکال چپ فرانسه) و به موجب قرارداد ژنو که پس از شکست مفتضحانه ارتش فرانسه در پایگاه عظیم نظامی فرانسه در ویتنام (دین - بین - فو) امضا شد ویتنام به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد و مدار هفده درجه مرز دو ویتنام تعیین گردید.

و در نتیجه فرانسه در کنفرانس ژنو به استقلال سه کشور مستعمره خود یعنی کامبوج و لائوس و ویتنام رضایت داد اما در موافقتنامه‌های کنفرانس ژنو ویتنام موقتاً به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده بود.

خلع امپراتور

در شمال جمهوری دموکراتیک که دو قدرت شوروی و چین از آن حمایت می کردند تشکیل شد و رئیس دولت «هوشی مینه» (HO-CHI-MINH) برگزیده گردید. در جنوب نگودین دیم (-NGO Dinh) ریاست دولت را عهده دار شد. او در سال ۱۹۵۵ امپراتور را خلع و یک دیکتاتوری واقعی به وجود آورد.

هدف ظاهراً آن بود که پس از رای گیری از مردم ویتنام تکلیف حکومت در این کشور معلوم شود. حکومت ویتنام جنوبی زیر رهبری نگودین دیم با تشویق امریکا از شرکت در مذاکرات مربوط به ترتیبات این رای گیری سر باز زد. در همین دوره حکومت ویتنام جنوبی با حمایت امریکا به سرکوب شدید کمونیستها پرداخت و بسیاری از مردم به اتهام کمونیست بودن اعدام شدند. برخی از نیروهای ویت مین که در جنوب باقی مانده بودند دست به مقاومت مسلحانه علیه حکومت نگودین دیم زدند و نیروهای ویتنام شمالی نیز پس از مدتی به حمایت از این مبارزات در جنوب پرداختند.

«بازی دومینو»

در آن زمان در امریکا کوبیدن کمونیستها در هر نقطه از جهان محور سیاست خارجی امریکا را تشکیل می داد. «جان فوستر دالس» وزیر امور خارجه جنرال آیزنهاور و معتقد به تیوری «بازی دومینو» بود، بدین معنی که اگر در هر کجای دنیا از جمله جنوب شرقی آسیا کمونیستها بر یک کشور مسلط شوند همه کشورهای دیگر در حلقه کمونیسم می افتند. براساس همین تیوری جان فوستر دالس علیه حکومت ملی دکتر مصدق با همکاری شاه کودتا کردند. جان فوستر دالس وایدن معتقد بودند که احتمال دارد حزب کمونیست بر ایران مسلط شود و این یک تصور واهی بود.

براساس تیوری «دومینو» امریکا درصدد حمایت از دولت ویتنام جنوبی برآمد و این علیرغم فساد و نارضایتی شدید مردم از دولت ویتنام جنوبی بود.

هوشی مین در بیستم دسامبر ۱۹۶۰ درصدد ایجاد «یک جبهه ملی آزادیبخش» برآمد که از اتحاد ویت مین که علیه فرانسویان جنگیده بودند تشکیل شده بود.

جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی تشکیل شد. حکومت ویتنام جنوبی افراد این جبهه را ویت‌کنگ می‌نامید که کوتاه شده عبارت «کمونیست ویتنامی» (ویت نام کنگ سان - Việt Nam Cộng Sản) به زبان ویتنامی بود.

جنگهای پارتیزانی

این جبهه تازه شروع به جنگهای پارتیزانی در ویتنام جنوبی کرد. امریکا سلاح در اختیار مردم ساکن نقاط مرتفع شمال سایگون قرار داد و نیروهای ویژه «سیا» آنها را تعلیمات نظامی می‌دادند. به هنگام قتل جان کندي در نوامبر ۱۹۶۳ نزدیک به شانزده هزار سرباز و کارشناس امریکایی در ویتنام جنوبی مستقر شده بودند. در همان زمان بسیاری از «بونزها» (روحانیون بودایی) به عنوان اعتراض به نظام ویتنام جنوبی در ملا عام خودسوزی کردند و توجه افکار عمومی جهان را به وقایع ویتنام جلب کردند.

امریکا دست از حمایت «نگودین دیم» برداشت. طی چهارسال ۹ رئیس دولت در ویتنام جنوبی روی کار آمدند و رفتند، درحالی که در سال ۱۹۶۷ که جنگ شدت یافته بود جنرال نگوین وان تیو (Nguyen - van - thieu) که به گفته ویت - کنگ عروسکی در دست امریکاییها بود سرنوشت ویتنام را در دست گرفت.

پس از قتل کندي، لیندون جانسون معاون او رئیس جمهوری امریکا شد. جانسون طرفدار شدت عمل بود و اعلام کرد که کمر «هوشی مین» را باید شکست و او تسلیم ما شود. جانسون ضمناً می‌خواست چشم زهری از شوروی و چین که کمکهای لوجستیکی به ویتنام شمالی می‌کردند بگیرد. در آغاز سال ۱۹۶۴ ویتنام شمالی زیر شدیدترین و سخت ترین بمبارانهای هوایی قرار گرفت. امریکا در سال ۱۹۶۶ بیش از دوصد هزار سرباز در جبهه ویتنام داشت. در سال ۱۹۶۸ این رقم به ۴۸۵ هزار نفر رسید و در سال ۱۹۶۹ امریکا ۵۳۶۰۰۰ سرباز به جبهه جنگ ویتنام فرستاد. در مجموع یک میلیون و ششصد هزار جوان امریکایی در جبهه جنگ ویتنام جنگیدند.

اما ارتش امریکا برای جنگهای چریکی و پارتیزانی آماده گی نداشت. سربازان امریکایی در هرکجای ویتنام با «مین» و تله هایی که «ویت کنگ» برای آنها فراهم کرده بود روبرو می شدند. به موجب آمار بیست و پنج درصد سربازان امریکایی در جنگهای چریکی کشته شدند.

«ویت - کنگ» در گروههای کوچکی و در دل جنگلهای ویتنام ناگهان برسر سربازان امریکایی فرود می آمد و سلاحهای نوین امریکا را به غنیمت می گرفت.

در اوج جنگ ویتنام حدود ۱۲۰ هزار ویت کنگ قادر بودند با مقتدرترین ارتش جهان مقابله کنند. از آنجا که هواپیماها و هلیکوپترهای شناسایی آمریکا همه ویتنام را زیر نظر داشتند ویتنام شمالی مجبور بود کمکهای خود را از نقاط مرتفع به ویت - کنگ برساند.

طی هشت سال ویت - کنگ جاده های تازه و باریکی در دل جنگل و کوهستانها به وجود آورد. در بعضی مواقع برای رساندن کمک به ویت - کنگ در خط مستقیم راه فقط ۴۰۰ کیلومتر بود ولی از کوره راهها ۱۵۴۰۰ کیلومتر. اگر يك جاده یی بمباران می شد فوراً ویت کنگ جاده دیگری به وجود می آورد.

هواپیماهای بمب افکن ب - ۱۵ آمریکا صدها تن بمب بر مراکز ویت - کنگ فرو ریختند. بمبهای آتش زا بسیاری از جنگلهای ویتنام را سوزاند. هرچه آمریکا بر شدت جنگ می افزود مردم در رزم با آنها راسخ تر می شدند.

جنگ ویتنام بر اساس اطلاعات جعلی بود

در سال ۱۳۸۴ يك روزنامه انگلیسی نوشت «آژانس امنیتی ملی (NSA) آمریکا برای توجیه جنگ ویتنام از اطلاعات جعلی و دروغین استفاده کرده بود.

به گزارش فارس به نقل از روزنامه دیلی تلگراف، بر اساس اطلاعاتی که توسط «رابرت هانیوک»، تاریخ نگار آژانس امنیت ملی آمریکا، افشا شد، افسران رده میانی این سازمان، اطلاعات مربوط به حادثه خلیج «تانکین» را تحریف کرده بودند. در حادثه خلیج تانکین، ناوشکنهای «مدداکس» و «ترنر جوی» در دوم اوت سال ۱۹۶۴ هدف حملات قایقهای ویتنام شمالی قرار گرفتند و دو روز بعد به رغم شرایط بد آب و هوایی و سردرگمی در سلسله مراتب فرماندهی ارتش آمریکا، مدداکس اعلام کرد برای دومین بار هدف حمله قرار گرفته است.

به رغم آنکه فرمانده ناوشکن مدداکس گزارشهای فوق را مشکوک خواند ولی اطلاعات جاسوسی از اعتراف ویتنام شمالی به قربانی ساختن دو کشتی امریکایی حکایت داشت.

در واکنش به این حملات «لیندن جانسون»، رئیس جمهوری وقت آمریکا دستور حملات هوایی علیه تأسیسات دریایی ویتنام شمالی را صادر کرده و کنگره آمریکا نیز اتخاذ تمامی اقدامات لازم شامل استفاده از نیروهای مسلح برای دفاع از ویتنام جنوبی در مقابل ویتنام شمالی را تصویب کرد. هانیوک در ادامه خاطرنشان می سازد تاریخهای مربوط به اطلاعات کلیدی دستکاری شده و حمله به دو کشتی در حمله نخستین، به کشته شدن دو ملوان اشاره می کرده است. وی همچنین اعلام کرد کارمندان رده میانی آژانس امنیت ملی آمریکا بلافاصله متوجه اشتباهات خود شدند ولی برای پنهان

داشتن آنها به اصطلاح «لاپوشانی» کردند. بر اساس گزارش دیلی تلگراف، مقامات ارشد آن زمان دولت امریکا در شهادت های خود مقابل کنگره این کشور به این اسناد جعلی استناد می کردند. به نوشته دیلی تلگراف، به نظر می رسد جانسون چنان مصمم به مستقر ساختن نیروهای امریکایی در منطقه بود که تمامی ماجرا را جعل کرده و ساخته بود. **این اطلاعات که به آغاز جنگ ویتنام انجامید، موجبات کشته شدن بیش از ۵۸ هزار سرباز امریکایی و یک میلیون ویتنامی را فراهم آورد.** دیلی تلگراف در ادامه نوشت: «افشای این موضوع توسط آژانس امنیت ملی امریکا به علت ترس از افزایش انتقادات از سازمان های اطلاعاتی این کشور در قبال جنگ عراق، مخفی نگاه داشته شده بود.»

با حمایت چین و شوروی از نیروهای ویت کنگ و ویتنام شمالی و نیز حمایت امریکا و متحدانش از نیروهای ویتنام جنوبی، درگیری های ویتنام بالا گرفت و بتدریج به جنگی بزرگ در سراسر ویتنام و گاه در نقاط دیگر هندوچین تبدیل شد.

نخستین بمباران امریکاییها در پایان سال ۱۹۶۴ بود. دلیل این بمباران ویتنام شمالی حادثه یی بود که به گفته امریکاییها در خلیج «تانکین» اتفاق افتاده بود.

امریکاییها ادعا کردند که یک کشتی جنگی امریکایی مورد گلوله باران قایقهای ویتنام شمالی قرار گرفته و همین موضوع آنان را به پاسخ واداشته است. پاسخی که سرآغاز جنگی خونین شد.

در هشتم ماه مارچ ۱۹۶۸ نخستین واحدهای ارتش امریکا رسماً در بندر دانانگ پیاده شدند. هرگز جنگی رسمی به ویتنام شمالی اعلام نشد. نیروهای ویتنامی که از سوی مردم عادی و کشاورزان حمایت می شدند از همین هنگام بر مقاومت خود افزودند و کوتاه زمانی پس از آن و با درگیر شدن هر چه بیشتر امریکاییها در جنگ، سربازان امریکایی به مرحله ای رسیدند که در هر ویتنامی پارتیزانی را می دیدند و به همین نسبت نیز بر جنایتهای خود افزودند. صحنه کشتن یک اسیر ویتنامی توسط رئیس پلیس سایگون و یا دهکده هایی که ابتدا با بمبهای آتش زامباران شده و سپس توسط کماندوهای امریکایی نابود می شدند هنوز در خاطره ها مانده است. **امریکا ولی پا را از این فراتر نیز نهاد و با مواد شیمیایی تمام مناطقی را که تحت تسلط ویت کنگ بود با هواپیما سم پاشی کرد.** نام عنصر نارنجی که نام این ماده شیمیایی بود سالها به عنوان لکه ننگی بر تارک امریکا درخشید. عنصر نارنجی که حتی تا امروز قربانی می گیرد ماده ای بود که عنصر اصلی آن دی اکسین بود و به بیماریهای گوناگونی از جمله سرطان و معلولیتهای ذهنی می انجامید.

به تدریج خمر سرخ در کامبوج و سازمان آزادیبخش لائوس به کمک «ویت - کنگ» شتافتند و جنگ همه شبه جزیره هندوچین را فرا گرفت.

بیش از یک سوم جنگلهای ویتنام سوخت. میلیونها ویتنامی به بیماریهای پوستی دچار شدند. کودکان ناقص به دنیا آمدند. مواد شیمیایی صدها هزار ویتنامی را به انواع بیماری دچار کرد. به علت طولانی شدن جنگ سربازان امریکایی به شدت عصبانی بودند و هر موجود زنده را به رگبار مسلسل می بستند. هزاران سرباز معتادشده وهزاران تن دیگر متمرده شده از ارتش فرار کردند. سربازان امریکایی که در بین ملتی که با آنها خصومت داشتند می جنگیدند از دادن شکنجه، تجاوز و کشتارهای وحشتناک ابایی نداشتند.

به موجب آمار به دست آمده حدود پنجمصد هزار سرباز امریکایی ارتش را ترك کرده و به کانادا و مکزیك پناهنده شدند. ویت - کنگ دست به حملات غافلگیرانه می زد. در سی ام ژانویه ۱۹۶۸ در یک لحظه به مراکز پلیس، پست، رادیو و زندانها حمله شد و پرچم ویت - کنگ مدت ۲۵ روز برفراز همه ادارات دولتی شهر بزرگ «هونه» (HUE) به اهتزاز درآمد. در سایگون ویت کنگ حتی سفارت امریکا را محاصره کرد. سربازان امریکایی که به وحشت افتاده بودند همه شهر را به توپ بستند. حمله «عیدت» نامی است که به رشتهیی از عملیات نظامی در جریان جنگ ویتنام داده شده است. این عملیات از ۳۰ جنوری (مطابق با عیدت یا سال نوی ویتنامی) ۱۹۶۸ آغاز شد و تا تابستان ۱۹۶۹ با شدت و ضعف در مناطق مختلف ویتنام جنوبی ادامه داشت.

در این عملیات نیروهای جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی یا «ویتکنگها» به نیروهای ویتنام جنوبی و امریکایی حمله کردند. در سایگون این نیروها توانستند به داخل محوطه سفارت امریکا نیز برسند.

اگر چه این حملهها از نظر نظامی موفقیت زیادی نداشت اما گسترده بودن و شدت آن و نیز پوشش خبری آن در سراسر جهان و به ویژه در داخل امریکا، افکار عمومی را به شدت بر ضد امریکا بسیج کرد و تظاهرات ضد جنگ در امریکا را به دنبال داشت.

در ۱۶ مارچ ۱۹۶۸ میلادی، ۳۴۷ تا ۵۰۴ شهروند غیرنظامی جمهوری ویتنام (ویتنام جنوبی) توسط سربازان ارتش امریکا به قتل رسیدند. اکثر قربانیان را غیرنظامیان زن و کودک تشکیل می دادند. قبل از قتل، برخی از قربانیان مورد تجاوز، شکنجه و قطع اعضا نیز قرار گرفته بودند. برخی از اجساد نیز در جریان کشتار توسط سربازان قطعه قطعه شده بودند. کشتار در دهکدههای می لای و می خه و سون می در جریان جنگ ویتنام رخ داد.

پس از وقوع حادثه، سعی شد که حادثه مخفی گردد، ولی سرانجام شایعات پخش شده باعث گشت که یک سال بعد ماجرا توسط رسانهها نقل گردد. پس از افشای کشتار، دادگاههای نظامی برای محاکمه سربازان مقصر در کشتار برگزار گشت که بیش از ۱۰ ماه طول کشیدند.

تمام کسانی که در این ماجرا متهم شده بودند، به این استدلال که به آنها دستور داده شده بود که آن اعمال را انجام دهند (یا حتی صادقانه تصور می‌کردند که به آنها این اعمال دستور داده شده بود) از اتهام خود تبرئه شدند به غیر از «ستوان کالی» فرمانده دسته که به جرم دستور قتل محکوم به حبس ابد با اعمال شاقه شد. این حکم، رویه‌ی که متفقین جنگ جهانی دوم در دادگاه نورنبرگ و دادگاه توکیو ایجاد کردند را نقض می‌کرد. در آن دادگاه‌ها، استدلال شده بود که متهمین جنایت جنگی نمی‌توانند از عذر "مامور و معذور" استفاده کنند و چندین جنرال جاپانی و آلمانی با همین استدلال اعدام شدند. دادگاه‌های می‌لای، توسط کسانی که در این ماجرا سعی در اجرای عدالت داشتند، متهم به سرپوش گذاردن بر کل ماجرا شدند.

یکی از نیروهای امریکایی که در این کشتار شرکت کرده بود، می‌گوید: "همه داشتیم تفریح می‌کردیم. فضا مثل سالن تیراندازی بود. . . او با ۴۵ میلیمتری به شش [نوزاد] شلیک کرد و نخورد. ما خندیدیم. او سه فوت جلوتر رفت و دوباره گلوله نخورد. ما خندیدیم. بعد قشنگ رفت بالای سرش و تماش کرد."

دو روز پس از این حکم، به دستور شخصی ریچارد نیکسون، کالی تا زمان رای دادگاه تجدید نظر از زندان آزاد شد. کالی حدود سه سال را در زندان نظامی در جورجیا گذراند که در طول این مدت، اجازه دیدار غیر محدود را نیز داشت. پس از سه سال وی عفو شد. شخصا انتظار نداشتم که این دادگاه کاری بکند.

ملت امریکا که روی پرده تلویزیون این صحنه‌ها را مشاهده می‌کرد به شدت علیه جنگ ویتنام به مبارزه برخاست، بدین ترتیب جبهه تازه‌ی علیه جنگ ویتنام در امریکا گشوده شد. در همه دانشگاه‌های امریکا دانشجویان پیشتاز مبارزه با جنگ ویتنام شدند و در همه ایالات امریکا مبارزه علیه جنگ ویتنام گسترش یافت. در یک روز بیش از یک میلیون امریکایی در برابر کاخ واشنگتن علیه جنگ ویتنام به پا خاستند.

این شعار، محبوب خرده‌فرهنگ هیپی نیز بود:

«عشق بسازید ، نه جنگ» (به انگلیسی: **Make love, not war**) شعاری مهم و فراگیر در تاریخ امریکا (و به خصوص در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی) بوده است.

این شعار توسط مخالفین جنگ ویتنام و علیه دولت امریکا به کار می‌رفت. از گرشون لگمن (به انگلیسی: **Gershon Legman**) به عنوان ابداع کننده شعار نام برده شده است.

این شعار در خارج امریکا (در اروپا بطور مثال) نیز شهرت داشت. به طور نمونه، جان لنون در آهنگ **Mind Games** خود در سال ۱۹۷۳ این شعار را به کار برد.

در ۳۱ مارس ۱۹۶۸ با نزدیک شدن انتخابات امریکا جانسون برای نجات حزب دموکرات دستور داد موقتاً بمباران ویتنام قطع شود.

جانسون که به کلی محبوبیت خود را در امریکا و جهان از دست داده بود و می دانست دوباره به ریاست جمهوری انتخاب نخواهد شد خود را کاندیدا نکرد.

ریچارد نیکسون نامزد حزب جمهوریخواه که قول داده بود به جنگ پایان می دهد به ریاست جمهوری امریکا برگزیده شد. نیکسون مجبور شد در ۲۷ جنوری ۱۹۷۳ در پاریس با کمونیستها قرارداد آتش بس را اجرا کند.

در آغاز ۱۹۷۵ ویت - کنگ دست به حمله وسیعی زد و ۳۰ اپریل امریکائیهها و رهبران ویتنام جنوبی از سایگون فرار کردند.

دولت امریکا به تدریج مجبور شد تا نیروهای خود را از ویتنام فراخواند و کار دفاع از حکومت ویتنام جنوبی را به خود آن حکومت بسپارد.

در اوایل سال ۱۹۷۵ دولت هانوی با اتکا به ویت کونگها بر شدت حملات خود افزود. در ۳۰ اپریل ۱۹۷۵ نیروهای ویت کنگ و ویتنام شمالی سایگون را گرفتند و جنگ ویتنام به پایان رسید.

در سال ۱۹۷۶ انتخاب مجلس ملی، راه را برای وحدت مجدد شمال و جنوب ویتنام فراهم نمود.

یک میلیون کشته

امریکا در سال، ۲۵ میلیارد دالر خرج جنگ ویتنام کرد و شش میلیون تُن بمب برفراز شهرها و جنگلهای ویتنام فرو ریخت (تقریباً دوبرابر همه بمبهایی که در جنگ دوم جهانی بر جاپان و آلمان فرود آمد) که یک میلیون نفر کشته شدند. پنجاه هزار جوان امریکایی کشته و هزاران نفر معلول شدند. بزرگترین فاجعه یی که سربازان امریکایی در ویتنام به وجود آوردند و هنوز جهان از آن سخن می گوید فاجعه «مای لای» (My-LAI) است که در سال ۱۹۶۸ روی داد در این دهکده به دستور یک گروهبان امریکایی مردم ذبح شدند.

هر موجود زنده ای که در دهکده بود حتی حیوانات اهلی قتل عام شدند. (فیلمی از این فاجعه تهیه شده است.)

- بیش از هشتاد میلیون لیتر مواد شیمیایی جنگلهای ویتنام را خشکاند و از بین برد.
- صدها تصنیف علیه جنگ ویتنام تهیه شد و خواننده گان مشهوری آن را در سراسر جهان خواندند.
- داستانهای زیادی در مورد جنگ ویتنام نوشته شد.

ویتنامیها بیش از سی و سه سال برای استقلال کشورشان مبارزه کرده و سر انجام پیروز شدند.

جنگ ویتنام هنوز هم از ویتنامیها قربانی می‌گیرد.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از نشریه کامن دریمز، سرزمین‌های مرکزی ویتنام با وجود گذشت ۳۰ سال از پایان حضور نظامی امریکا در این کشور هنوز هم قربانیهای فراوانی را در اثر اقدامات امریکا شاهد است.

مطابق گزارش‌ها وجود مقادیر فراوانی از بمب‌های عمل نکرده و زمینهای مین‌گذاری شده از سوی امریکا که هنوز امکان پاکسازی این حجم وسیع فراهم نیامده است، در حال حاضر نیز به کشته و زخمی شدن مردم ویتنام منجر می‌گردد.

مطابق برآوردهای نظامی موجود حدوداً ۳۵۰ هزار تن از بمب‌های ارتش امریکا که بر سر مردم ویتنام ریخته شده است هنوز خنثی نگردیده است. بمبارانهای امریکا در طول جنگ به کشته شدن بیش از یک میلیون ویتنامی منجر گردید.

گزارشها حاکی از آن است که از پایان جنگ ویتنام تا کنون ۴۰ هزار ویتنامی دیگر قربانی بمب‌های وحشیانه امریکا شده‌اند.

امریکا در این جنگ به شدت وجهه خود در جهان را خراب کرد. بسیاری از سلاحها را ساخت. و در پایان جنگ از رکود اقتصادی هم بیرون آمده بود. امریکائیه‌ها وقتی از جنگ ویتنام یاد می‌کنند، بیشتر فکر پول به باد رفته کشورشان و ۵۰ هزار سرباز کشته شده شان هستند تا ۳ میلیون ویتنامی کشته شده و ملت زجر کشیده ویتنام.